

متن پرسش

واقعیت اول: اگر خدایی وجود داشته باشد، باید برای بخشایش به پایم بیوفتد. [نوشته یک یهودی روی دیوار زندان آشویتز در اردوگاه مرگ نازی ها در جنگ جهانی دوم. واقعیت دوم: به گزارش مشرق، پس از آنکه یک دختر بچه گریان از پاپ پرسید «چرا خداوند اجازه می‌دهد دختران کوچک به فحشا کشیده شوند؟»، پاپ آن دختر بچه را که پدر و مادرش او را رها کرده‌اند، در آغوش گرفت. گلپزل پالومار ۱۲ ساله با چشمانی اشکبار از پاپ پرسید: «کودکان زیادی به مواد مخدر و فحشا مبتلا می‌شوند. چرا خداوند اجازه می‌دهد این اتفاقات برای ما بیفتد؟ بچه‌ها که گناهی ندارند». پاپ که در بین کاتولیک‌ها به «پاپ فقرا» مشهور است، دختر بچه را در آغوش گرفت و نتوانست به سخنرانی از قبل آماده شده خود به زبان انگلیسی پردازد و در عوض به زبان اسپانیولی به پاسخ دادن به آن کودک پرداخت. پاپ که آشکارا تحت تأثیر قرار گرفته بود، گفت: این دختر سؤالی را مطرح کرده که هیچ پاسخی برای آن نیست و او حتی قادر نبود این سؤال را به خوبی مطرح کند و به گریه افتاد. این سوال بزرگی برای همه ماست: برای چه کودکان باید رنج ببرند؟ چرا؟ او در بخش دیگری از سخنانش گفت: تنها زمانی به پاسخ مورد نظر نزدیک شده ایم که بتوانیم برای این وضعیت ضجه بزنیم. واقعیت سوم: دفتر نجات ایزدیان ربوده شده افزود: علاوه بر ده ها گور فردی، تعداد ۸۰ گور دسته جمعی تاکنون در شهرستان سنجار کشف شده است و تعداد ۶۸ مقبره و زیارتگاه دینی نیز به دست داعش منفجر شده است. طبق آمار اعلام شده این دفتر، تعداد ایزدیانی که به خارج از کشور مهاجرت کرده اند بیش از ۱۰۰ هزار نفر می باشد و همچنین تعداد ایزدیانی که ربوده شده اند ۶۴۱۷ نفر (۳۵۴۸ نفر زن و ۲۸۶۹ نفر مرد) می باشد. تعداد ایزدیانی که از چنگ تروریست های داعش رهایی یافتند ۳۴۵۱ نفر می باشد که از این تعداد ۱۱۷۸ نفر زن، ۳۳۷ نفر مرد، ۱۰۱۰ نفر کودک دختر، ۹۲۶ نفر کودک پسر می باشد. بر اساس این آمار تعداد ایزدیانی که همچنان جزو ربوده شدگان هستند ۲۹۶۶ نفر می باشد که از تعداد ۱۳۶۰ نفر زن و ۱۶۰۶ نفر مرد هستند. شایان ذکر است، گروهک تروریستی تکفیری داعش هنگامی که در ۳ اوت ۲۰۱۴ به شهرستان سنجار و روستاهای ایزدی اطراف کوه این شهرستان در عراق حمله کرد، مردان و پسران جوان را به اطراف روستا منتقل و آن ها را قتل عام کرد و زنان و دختران جوان و کودکان را به عنوان اسیر و غنیمت به همراه خود برد تا در بازار بره فروشی به عنوان برده های جنسی به فروش بگذارد. سلام استاد. از این گونه واقعیت های تلخ که ما اسمش را به راحتی «حکمت و مصلحت خدا» و یا «امتحان خدا» می گذاریم، از اول خلقت بوده و خواهد بود. در این دنیا به هر موجودی که نگاه می کنیم اعم از انسان یا حیوان، در حال رنج کشیدن است. حتی در این مقوله ی رنج و عذاب

زندگانی، فرقی بین مومن و کافر هم نیست و همه گرفتار رنج و عذاب هستند و هیچکس هم نمی داند چرا به این دنیا آمده و چرا باید رنج بکشد. و به همین راحتی هم می گوئیم رنج مومنان ثواب اخروی دارد و کافر هم به درک! حتی حیوانات هم همگی در حال اضطراب و رنج هستند همانند آهوئی که بچه ی چند ماهه اش گرفتار چنگال شیر شده. استاد به راستی این همه مصیبت و رنج سختی برای چیست؟ لابد برای به ظهور رسیدن اسماء الهی! البته به زبان ساده تر باید بگویم که ما موش آزمایشگاهی خدا هستیم که هر بلایی دلش خواست سر ما درآورد و تازه این اول ماجراست، آن دنیا هم باید منتظر چماق نکیر و منکر و عذاب الهی باشیم که چرا موش آزمایشگاهی خوبی نبودیم! استاد عزیز! بدبختی ها و رنج های بشر با سیر مطالعاتی و عدل الهی شهید مطهری حل نشده و نخواهد شد. از هشت میلیارد جمعیت کره زمین فقط دویست میلیون شیعه هستند و آن دویست میلیون هم خیلی هاشان شیعه شناسنامه ای! آیا آنکس که شیعه نیست و نماز نمی خواند ولی بر طبق وجدانش عمل می کند، به جهنم می رود؟ شاید در نگاه اول کسی که جبری باشد، خیلی احمق به نظر برسد ولی واقعیت این است اختیاری در کار نیست و همه جبر است و جبر؛ آقازاده ای که دغدغه ی نان درآوردن برای زن و بچش رو نداره و پول باباش از پارو بالا می ره، بایدم بیاد صف اول نماز جماعت و فریاد الله اکبرش طاق مسجد رو بلرزونه! ولی از پسر بچه ای که پدرش معتاده و مادرش برا یه لقمه نون باید بره تن فروشی کنه نباید انتظار داشت نماز بخونه و شبهاتش رو با سیر مطالعاتی حل کنه. جواب قانع کننده می خوام و گرنه قید همه چی رو میزنم و منم می پیوندم به صف اون هشت میلیارد آدم گمراه جهنمی!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بعضاً که بنده افتخار مطالعهی قرآن را دارم و متوجهی راه حل‌هایی می‌شوم که خداوند از طریق پیامبران برای بشر آورده، تعجب می‌کنم چرا بشر چنین راه حل‌هایی را رها کرده؟! در حالی که تمام ابعاد زندگی انسان در آن راه حل‌ها مد نظر قرار گرفته. راستی را! راهی برای نجات از این همه بحران، جز برگشت به راه انبیاء الهی هست؟ نمی‌خواهم صورت مسئله را پاک کنیم، اما به ریشه‌ی این همه ظلم و بحران باید فکر کرد. اگر دیروز دختران بی‌گناه را زنده به گور می‌کردند و خداوند راه عبور از آن فجایع را، حضور پیامبرش در آن موقعیت بحرانی گذاشت؛ چرا برای عبور از فجایع امروز به رجوعی جانانه به همان راه فکر نکنیم؟ آیا اگر از راه‌های الهی فاصله گرفتیم و به بحران‌ها دچار شدیم، در این موارد باید خدا را مقصر بدانیم یا مطلب را با همه‌ی سختی‌هایش به پای روحیه‌ی غفلت از راه خدا وصل کنیم؟ بالاخره در جهان بی‌خدا بخوایم و نخواهیم چنین است که می‌فرمایید. باید به راه حل‌ها فکر کرد و آن راه حل‌ها را جدی گرفت. موفق باشید